

**یاسمین مولانا:**

سیری در تاریخچه نخستین مدرسه قالی بافی و افکار مترقی که جایشان خالی است در همه جا خبرها حاکی از این بود که به زودی مدرسه قالی بافی در تبریز احداث خواهد شد و پایه گذار این اتفاق یکی از خیران تبریزی بود که در حوزه های فرهنگی دستی داشت و پیش از این هم نخستین کتابخانه عمومی کشور را بنیان گذاشته بود.

تفکر ساخت مدرسه قالی بافی جنب و جوشی را در افکار عموم مردم و میان صاحب نظران به راه اندخته بود به طوری که این موضوع به روزنامه های آن روزگار هم راه یافت و روزنامه ناصری سال شماره 25 در تاریخ اول جمادی ثانی 1313 نوشته است: در این روزها جاحی خازن لشکر، قرار داده اند که "با دستگاه قالی بافی، یک استاد ماهر به مکتب آورده، اطفال فقرا را که نصف روزشان مشغول درس و مشق است، نصف دیگر را صرف یادگرفتن این صنعت عالی که مخصوص به ایران و ایرانیان است بنمایند" که الحق این نوع اعمال خیریه اسباب ترقی دولت و ملت خواهد بود.

این داستان به 121 سال پیش باز می گردد زمانی که فردی بنام حاج میرزا حسن خان خازن لشکر اقدام به برپایی اولین مدرسه قالی بافی ایران و بلکه جهان کرد.

حاج میرزا حسن خان خازن لشکر فرزند سلمان محتمد السلطان تبریزی، یکی از مردان خیر و روشنفکر تبریز در عصر ناصری بود.

این مرد دور اندیش با تاسیس مدرسه ارک نه تنها امکان تحصیل رایگان برای کودکان فقیر و بی سرپرست را فراهم کرد بلکه در آن روزگار، در نظر داشت، مدرسه حرفه ای دایر کند تا دانش آموزان ضمن ادامه تحصیل، با صنایع مختلف آشنائی پیدا کرده و بتوانند در رشد و پیشرفت صنعت کشور، نقشی را ایفا کنند. این شخصیت فرهنگ دوست، با ایجاد دستگاه قالیبافی در مدرسه، امکان یادگیری این فن هنرمندانه را برای محصلان فقیر فراهم آورد.

مدرسه ارک طبق روایت تاریخ نویسندگان، پیش از تاسیس نخستین کتابخانه عمومی ایران در تبریز راه اندازی شده بود و به سبک نوین به دانش آموزان علم روز آموزش داده می شد و گام موثری در جهت پیشبرد فرهنگ این سرزمین داشت به ویژه آنکه کودکان فقیر و بی سرپرست هم از آموزش بدور نمانده و به صورت رایگان امکان تحصیل را برای آنها فراهم کرده بود.

مدرسه ارک در مسجدی جنب ارک علیشاه دایر و با اصول جدید تدریس می شد و آنچه که این مکتب را از سایر مکاتب متمایز ساخته بود، دو چیز است: اول آن که این مکتب، از طرف حاج میرزا حسن خان خازن لشکر که در آن موقع رئیس مجلس محاکمات عسکریه آذربایجان و همچنین رئیس مخزن نظامی بود دایر گشته و تحصیل اطفال در آنجا مجانی بود و مرحوم خازن لشکر مخارج تحصیلی آنها را می پرداخت و حتی به اطفال لباس مجانی نیز می داد.

و دوم؛ سبک این مکتب با دیگر مکاتب متفاوت بود که شاگردان در مسجد روی تشکچه می نشستند و به تحصیل می پرداختند، مدیریت این مکتب را خازن لشکر به حاج میرزا محمد حسین شریعتمدار سپرده بود و در این مدرسه قرآن تدریس می شد و شاگردان بزرگ، علوم صرف و نحو و کتب قرائت فارسی و عربی تحصیل می کردند.

تاریخ تاسیس این مکتب بسیار قدیمی است و در سال 1310 قمری این مکتب به نام مدرسه ارک دایر بوده است.

طبق نوشته تاریخ نویسندگان؛ لباس متحد الشکل اطفال و لوازم تحصیل و تحریر و حقوق مدیر و معلمان به عهده موسس آن آموزشگاه بود. گاه به گاه به محصلینی که فقیر بودند کمک خرج هم می داد و روزهای جمعه در منزل خود (محل ششگلان، همسایگی مرحوم مرتضوی) روضه خوانی داشت. مدیر دبستان موظف بود که شاگردان را غالب هفته ها به مجلس روضه خوانی آورد و موقع برگشتن به آنها انعام می کرد.

مدرسه با اهدافی که برای پیشرفت دانش آموزان خود داشت و آموزش صنایع را در کنار دوسر عمومی قرار داده بود به حق در روزگار خود بدیع بود تا جایی که نحوه آموزش و مدیریت مدرسه ارک مورد پیگیری تمام اقدار جامعه آن زمان بود و روزنامه ناصری، از جریان امتحان شاگردان این مکتب در روز 14 جمادی الاول 1313 گزارشی بدین شرح درج کرده است:

«شماره‌های پیش اشارت رفته بود که حاج میرزا حسن خان خازن لشکر، مکتب احسانی در دارالسلطنه بنا کرده و اطفال فقرا را در آن جمع نموده، مشغول تربیت آنها هستند. روز... شاگردان آن مکتب را برای امتحان، دعوت به باغ خودشان نموده با حضور حاج میرزا محمدحسین شریعتمدار سلمه الله تعالی و چند نفر دیگر از اجله علما و اعظام تجار رسیدگی بر مراتب ترقیات آنها نموده، مورد کمال تحسین شده‌اند. وبانی معظم له محض تشویق شاگردان به هر يك از ایشان يك دست لباس مزین از پارچه خوبی هم رنگ بذل و عطا کرده...»

همچنین در شماره 45 سال بیستم (16 ذیقعه 1311) روزنامه اختر نیز درباره این مدرسه این اطلاعات به چشم می‌خورد: «... از قرای که آگاهی حاصل نمودیم مکتبی که جناب خازن لشکر باز کرده، قریب به شصت نفر از ایتم و فقرا در آن جا مشغول تحصیلند، تمامی مخارج این مکتب، حتی لباس شاگردان که سالیانه دو دست باشد، به عهده جناب مشارالیه بوده، وضع تدریس و تعلیم نیز نهایت نظم را داشته، در هر دو سه ماه نیز شاگردان با حضور مردمان بافضل و دانش به معرض امتحان آورده شده از مکتبات علمیه و تحصیل هر کدام آگاهی حاصل آمده، مستعدان و هوشیاران آنان مورد لطف و نوازش می‌شوند تا دیگران هم به تحصیل سعی و دقت نمایند.

بالاخر از این‌ها، تصور ثانوی جناب خازن لشکر بهتر و سودمندتر است که خیال داشته‌اند مکتب صنایعی متمم باز نمایند که هر يك از اطفال پس از فارغ التحصیلی که مختصری در خواندن و نوشتن و حساب ملکه حاصل نمود، بدان جا رفته از صنعت آهنگری و نجاری و ریخته‌گری، قالی بافی و غیره که در قورخانه مبارکه لازم است هر کدام را که طفل به ظرافت طبع خود اختیار نماید بدان مداومت نموده، هم خود مدار معاشی داشته باشد و هم به کار دولت بیایند...»

فعالیت و تاسیسات های فرهنگی حاج میرزا خازن لشکر که بساط ترفیع مقام وی را فراهم کرده بود برای دریافت درجه و ترفیع به پایتخت دعوت شد اما این روزها دوامی نداشت و تبریز و مردمانش نتوانستند بیش از این فردی چون خازن لشکر را با آن تفکر والا و مترقی در کنار خود داشته باشند و خازن لشکر در همان سال در تهران، زندگی را بدرود گفت.

با رفتن خازن لشکر از دنیا تشکیلات فرهنگی آن مرحوم هم دچار فترت و انحلال شد و خانه‌ای را که کتابخانه بود به یکی از افسران فروختند و اکنون در خیابان پهلوی (امام خمینی فعلی) تبریز مغازه سنگی ساخته شده است.

خبر درگذشت حاج میرزا حسن خان خازن لشکر تحت عنوان «تاسّف» در شماره 26 سال دوم روزنامه ناصری در روز جمعه 21 رمضان 1313 هجری قمری برابر با ششم مارس 1896 میلادی منتشر شد: «حاج میرزا حسن خان خازن لشکر رئیس مخزن و قورخانه آذربایجان که چندی پیش عازم دارالخلافة طهران گردیده و موقتاً در آنجا اقامت داشتند از قرار خبر تلگرافی که به تبریز رسیده روز پنج شنبه (12) شهر رمضان المبارک فجاه به رحمت ایزدی واصل و به حیات ابدی نایل گشته‌اند.

الحق مرحوم معزی الیه گذشته از تدین و زهد و تقوی وجودشان برای ابنای وطن مغتنم بودی، بسی آثار خیریه که از وجود ایشان در این شهر و دیار به یادگار ماند و حقیقتاً توان گفت که وجودشان منحصر به فرد و در مراتب خیر خواهی ابنای وطن و حسن رفتار شبه و نظیر نداشتند.

از خبر رحلت ایشان، اهل شهر را نوعی ملال و کدر حاصل آمد که گوئی پدرشان رخت بدان جهان کشید. ولی آثار خیریه که از ایشان به یادگار است همه وقت موجب تذکار و از عقبش ذکر خیر زنده کند نام را. از خداوند سائلیم که روح پرفتوح آن مرحوم را مهبط انوار خود فرموده و غریق بحر غفران فرماید.»

پیکر پاک او را در آرامگاه اختصاصی وی در قم در حرم معصومه دفن می‌کنند اما بعدها در نوسازی آن اماکن بر اثر تعویض آرامگاه اختصاصی از بین رفته، ولی هم اکنون سنگ مزارش باقی است و نشانگر آرمیدن آن زنده نام در آن نقطه از حرم است.

در سال 1382 مرحوم زنده یاد سیف اله خازن از نوادگان خازن لشکر با اهدای 162 برگ از تصاویر و اسناد این خاندان به موزه اسنادملی، سبب ساز شناسایی هر چه بیشتر اقدامات فرهنگی خازن لشکر شد.

گزارش : یاسمین السادات مولانا

برگرفته از کتاب مشاهیر آذربایجان (جلد دوم) به قلم شاد روان استاد صمد سرداری‌نیا